

## شرط اسقاط یا تحدید مسئولیت در اسناد تجاری

رضا بیرانوند<sup>۱</sup>، فاطمه نجفی<sup>۲</sup>

### چکیده

شروط محدود کننده و عدم مسئولیت دو گروه از شرایطی هستند که از مسئولیت قراردادی می‌کاهند. شرط تحدید مسئولیت شرطی است که منجر به کاهش مسئولیت متعهد می‌گردد و شرط عدم مسئولیت، شرطی است که به موجب آن مسئولیت ناشی از عدم اجرای قرارداد یا تأخیر آن پیش از اینکه تخلف از قرارداد رخ دهد و خسارت پیدا شود، اسقاط و سلب می‌گردد. یکی از سوالاتی که در خصوص مسئولیت در اسناد تجاری مطرح می‌شود این است که آیا مسئولین یک سند تجاری می‌توانند ضمن امضای آن جهت صدور، قبول، انتقال و یا ضمانت، اسقاط و یا تحدید مسئولیت خود را در پرداخت آن، در متن سند، شرط کنند و در صورت وجود چنین شرطی، آیا شرط صحیح است یا باطل؟ فرض بر این است که چنانچه ماده (۲۴۹) قانون تجارت را از قواعد آمره بدانیم شرط برخلاف آن صحیح نمی‌باشد، چنانچه این ماده را از جمله مواد تکمیلی بدانیم می‌توان برخلاف آن توافق نمود، ظاهراً ماده (۲۴۹) از قواعد تکمیلی است؛ زیرا طبق قاعده کلی حقوقی و قواعد عمومی حقوقی خصوصی مواد مرتبط با بحث‌های مالی می‌تواند از قواعد تکمیلی تلقی شود و افراد برخلاف آن ماده با یکدیگر توافقاتی را داشته باشند که البته با این وصف با ملاحظه کنوانسیون‌های بین‌المللی از جمله ژنو و آنسیترال این نتیجه حاصل می‌گردد که چنانچه مسئول اصلی پرداخت سند تجاری حسن شرطی را درج نمایند این شرط باطل بوده و صحیح نیست زیرا منطقی نیست که مسئول اصلی تعهد به پرداخت دهد و درعین حال به موجب شروطی خود را از این تعهد معاف دارد.

**واژگان کلیدی:** شرط اسقاط مسئولیت، شرط تحدید مسئولیت، اسناد تجاری، چک، سفته، برات

<sup>۱</sup> دکتری حقوق خصوصی، عضو هیأت علمی دانشگاه علوم انتظامی امین

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی‌ارشد حقوق خصوصی، موسسه آموزش عالی فاران مهر دانش      fatemehnajafi.fn1349@gmail.com

## مقدمه

اسناد تجاری، ابزاری برای تسهیل معاملات غیرنقدی با کارکرد پرداخت و جانشینی برای پول هستند لذا وسیله‌ای برای کسب اعتبار و تأمین مالی نیز قلمداد می‌شوند. یکی از مهمترین امتیازات اسناد تجاری مسئولیت تضامنی متضامنین اسناد تجاری در مقابل دارنده سند است که به موجب آن دارنده سند می‌تواند به هریک آنها تحت شرایطی برای وصول سند بصورت تضامنی رجوع نماید. اهمیت تبیین و تحلیل تأثیر شروط اسقاط یا محدود کننده مسئولیت متضامنین اسناد تجاری به معنی اخص که شامل برات، سفته و چک می‌باشد در میان تجار و اشخاصی که از این اسناد در روابط خود استفاده می‌کنند، غیرقابل انکار می‌باشد. مسئله این مقاله شناخت و تحلیل و بررسی تأثیر شروط اسقاط یا محدود کننده مسئولیت هریک از مسئولین اسناد تجاری و باتوجه به ذات عمل تجاری مربوطه در صدور و ظهرنویسی و قبول برات و یا ضمانت از اسناد تجاری می‌باشد. این موارد در تعاملات بازار میان طرفین کسب و کارها، علاوه بر نقش اعتمادسازی و ارتقای سطح سرمایه اجتماعی، موجب تسهیل یا سختی در دادوستدها می‌شود. بنابراین، موارد مذکور و تأثیر آنها در مسئولیت متضامنین اسناد تجاری مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در موارد سکوت و اجمال قانون، دیدگاه مقررات بین‌المللی را برای روشن‌تر شدن موضوع بیان کرد (الفی و دیگران، ۱۴۰۱: ۸۶).

## ۱- تعاریف و مبانی

## ۱-۱- مفهوم سند تجاری و شروط محدود کننده یا ساقط کننده مسئولیت

## ۱-۱-۱- مفهوم اسناد تجاری

اسناد تجاری دارای دو مفهوم عام و خاص می‌باشد. اسناد تجاری به مفهوم عام به کلیه اسنادی که بین تاجر و غیرتاجر و یا بازرگان و غیربازرگان در امر تجارت مورد استفاده قرار گرفته و مبادله می‌شود و شامل اسناد براتی و غیربراتی می‌باشد؛ از قبیل اسکناس، برات، سفته، چک و سهام شرکت‌ها، اسناد خزانه، اسناد اعتباری، ضمانت‌نامه‌های بانکی، اوراق قرضه، حواله جات، قبوض انبارهای عمومی، بارنامه‌های زمینی، هوایی و دریایی است (اعظمی زنگنه، بی‌تا: ۲۲۱). همچنین در لایحه تجارت تعریفی که از اسناد تجاری به عمل آمده، برمبنای مفهوم عام می‌باشد. براساس ماده (۷۰۱) لایحه مذکور سند تجاری، سندی است که شکل آن مطابق قانون تنظیم می‌شود و به موجب آن تعهد مستقل پولی یا غیرپولی برعهده صادر کننده یا دیگری ایجاد می‌گردد (اخلاقی، ۱۳۵۸: ۴۴).

اسناد تجاری به مفهوم خاص نیز اسنادی است که قانون تجارت و سایر قوانین برای آنها مزایای مخصوص قائل شده است. اسنادی که قابل نقل و انتقال بوده و متضمن دستور پرداخت مبلغ معینی به رویت یا در سررسید کوتاه مدت می‌باشد و به جای پول بعنوان وسیله پرداخت قرار می‌گیرد و از امتیازات و مقررات ویژه

قانونی تبعیت می‌کند (اعظمی زنگنه، بی تا: ۲۲۱). بر مبنای این تعریف اسناد تجاری دارای چند ویژگی اساسی می‌باشد؛

اولاً؛ وسیله پرداخت وجه در معاملات و کسب اعتبار است؛

ثانیاً؛ قابل نقل و انتقال است و از آن بعنوان وسیله‌ای جهت جابجایی مطمئن پول مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ ثالثاً؛ دارای مزایای مخصوص مانند قابلیت واخواست و عدم تودیع خسارت احتمالی در صورت درخواست تأمین خواسته و مسئولیت تضامنی امضاء کنندگان آن و مسئولیت کیفری علاوه بر مسئولیت حقوقی در خصوص چک و مرور زمان، مطابق مقررات می‌باشد.

مصادیق بارز اسناد تجاری به مفهوم خاص باتوجه به تعریف ارائه شده و عنوان باب چهارم قانون تجارت، شامل برات، فته طلب (سفته) و چک است (مرادپور سردهایی، ۱۳۹۸: ۳).

#### ۱-۱-۲- مفهوم شرط و معنای شرط تحدید کننده و اسقاط کننده مسئولیت

شرط در لغت به معنای الزام چیزی و التزام به چیزی آمده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱: ۴۸۷). در قانون مدنی از شرط تعریفی ارائه نگردیده و به تعریف مصادیق آن اکتفا شده است. حقوقدانان جهت رفع این نقیصه بعضاً در تعریف آن گفته‌اند: شرط یکی از این دو مفهوم را بیان می‌کند: ۱- امری که وقوع یا تأثیر عمل یا واقعه حقوقی خاص به آن بستگی دارد، برای مثال در ماده (۱۹۰) ق.م. که شرایط اساسی صحت معامله را بیان می‌کند مقصود همین معنا است ... ۲- توافقی که برحسب طبیعت خاص موضوع آن یا تراضی طرفین در شمار توابع عقد دیگری درآمده است. چنانکه ملاحظه می‌شود شرط بدین مفهوم خود نیز دو قسم است: گروهی که برحسب طبیعت موضوع آن خود التزامی مستقل نیست و ناچار باید در زمره توابع عقد دیگری باشد، مانند شرطی که مربوط به اوصاف مورد معامله اصلی است (شرط صفت) یا زمان وفای عهد را معین می‌کند (شرط اجل) یا قلمرو التزام‌های اصلی عقد را تعیین یا قوانین تکمیلی را تغییر می‌دهد. گروهی دیگر که می‌تواند بعنوان قرارداد مستقل مورد توافق باشد ولی دو طرف بنا به ملاحظاتی آن را تابع عقد دیگری ساخته‌اند تا نام شرط بر آن نهاده شود (کاتوزیان، ۱۳۶۸: ۱۲۳). بعضی شرط را «امری اضافه بر عوض و معوض که بصورت تعهد اضافی (تعهد تبعی است نه بصورت تعلیق در حدوث حق» تعریف نموده‌اند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱: ۴۸۷). قانون مدنی بدون ذکر تعریفی از شرط، در مواد (۲۳۲) و (۲۳۳) و (۲۳۴) در اقسام شرط به شروط باطل (شرطی که انجام آن غیرمقدور باشد، شرطی که در آن نفع و فایده نباشد، شرطی که نامشروع باشد)؛ شروط باطل و مبطل عقد (شرط خلاف مقتضای عقد، شرط مجهولی که جهل به آن موجب جهل به عوضین شود)؛ شروط صحیح (شرط صفت، شرط نتیجه، شرط فعل اثباتاً یا نفیاً) اشاره نموده است که هر یک دارای احکام و ویژگی‌های خاصی است و چون تفسیر آن، موضوع بحث این مقاله نیست، به همین اندک اکتفا

می‌گردد. پس از آشنایی کلی با تعریف و اقسام شرط، برای تبیین شرط محدود کننده مسئولیت، ابتدائاً تعریفی از آن ضروری است (کاتوزیان، ۱۳۶۸: ۳۱۹). کاتوزیان در تعریف شرط محدود کننده مسئولیت، ضمن اتخاذ عنوان «شرط کاهش مسئولیت» و تقسیم آن به دو گروه «شرط محدود کننده» و «شرط عدم مسئولیت»، بیان می‌دارد: شرط محدود کننده مسئولیت، ضمان عهدشکن را محدود به مبلغی معین می‌کند تا حکم خسارت از آن فراتر نرود. مانند اینکه در قرارداد حمل و نقل شرط می‌شود که در صورت تأخیر تا میزان یک میلیون ریال به صاحب کالا داده شود. تفاوت این شرط با وجه التزام در این است که مدعی ورود خسارت باید آن را اثبات کند. منتها میزان آنچه مورد حکم قرار می‌گیرد نباید از یک میلیون ریال فراتر رود، در حالیکه در وجه التزام خسارت مقطوع است و نیازی به اثبات ندارد خواه میزان خسارت واقعی بیش از وجه التزام باشد یا کمتر از آن. بدین ترتیب در وجه التزام، مرز مسئولیت از دو سو معین و قاطع است لیکن در شرط محدود کننده تنها سقف میزان خسارت معین است و دادگاه می‌تواند خسارت واقعی را تا آن مرز احراز کند (کاتوزیان، ۱۳۶۸: ۳۱۹).

#### الف) شرط تحدید مسئولیت

تحدید مسئولیت از منظر حقوقی، پدیده‌ای است که منجر به کاهش مسئولیت متعهد می‌گردد (ایزانلو و دیگران، ۱۳۹۵: ۳۲) و شرط محدود کننده مسئولیت، همان‌گونه که از ظاهر عبارت متبادر به ذهن می‌گردد، شرطی است که متعاهدین یا یکی از آنها مقرر می‌دارد که نسبت به زیان‌های احتمالی تا سقف مشخصی مسئولیت داشته باشد. بعبارت دیگر، مسئولیت مقصر به جبران زیان وارده بر زیان دیده محدود به شرط مورد توافق طرفین می‌گردد اعم از اینکه شرط مذکور تأدیه مبلغی معین یا فعل و ترک فعل مشخص و یا سایر طرق جبران خسارت باشد. روش‌های تحدید مسئولیت به دو نوع تحدید کلی و تحدید جزئی تقسیم می‌شود. روش تحدید کلی هم در نظام‌های عام و هم در نظام‌های خاص استفاده شده، اما از روش تحدید جزئی فقط در نظام‌های خاص پیروی شده است. شروط تحدید مسئولیت در یک نگاه کلی بدین معناست: «توافق‌هایی که پیش از واقعه عهدشکن به منظور تغییر نظام قانونی مسئولیت یا شرایط مطالبه آن به سود طرفین منعقد می‌شود» (ایزانلو، ۱۳۸۲: ۲۳-۲۲). لازمه این امر بدون تردید، آن است که تعهدی که در قرارداد به حذف آن تصریح می‌شود، تعهدی باشد که بطور معمول به حکم قانون یا عرف از آن قرارداد ناشی می‌شود و گرنه معنی ندارد که طرفین حذف تعهدی را که اصولاً از قرارداد آنها ناشی نمی‌شود شرط کنند یا اینکه به صراحت به ایجاد یک تعهد قراردادی دست زنند و در عین حال، شرط کنند که مدیون به چنین تعهدی پایبند نیست (ایزانلو، ۱۳۸۲: ۲۳). شرط محدود کننده مسئولیت، ضمان عهدشکن را در جبران خسارت محدود به مبلغ معین می‌کند بعنوان مثال در قرارداد حمل و نقل کالا شرط می‌شود که در صورت تأخیر تا میزان یک میلیون ریال خسارت به صاحب کالا داده شود. تفاوت این شرط با وجه التزام در این است که مدعی ورود خسارت

باید آن را اثبات کند، منتها میزان آنچه مورد حکم قرار می‌گیرد نباید از یک میلیون ریال بیشتر شود. اما در وجه التزام خسارت مقطوع است و نیازی به اثبات ندارد اعم از اینکه میزان خسارت بیش از وجه التزام یا کمتر از آن باشد. اما در شرط محدود کننده، فقط سقف میزان خسارت معین است و دادگاه در صورت احراز وقوع خسارت تا سقف تعیین شده می‌تواند حکم به جبران خسارت صادر کند. در شرط عدم مسئولیت طرف قرارداد بطور کامل خود را از دادن خسارت مصون می‌کند. مثل اینکه در قرارداد حمل و نقل کالا شرط شود که متصدی مسئول دیر رسیدن آن به مقصد نیست یا از بابت تلف یا نقص کالا خسارتی پرداخت نمی‌کند (کاتوزیان، ۱۳۶۸: ۳۱۹).

### ب) شرط اسقاط مسئولیت

اسقاط مسئولیت نیز به معنای از بین بردن مسئولیت با درج شرط در سند تجاری می‌باشد این شرط بدین منظور است که آیا مسئولین سند تجاری (صادر کننده، ظهرنویس، ضامنین، برانگیر) می‌توانند با درج شرطی در سند تجاری، مسئولیت خود را اسقاط کنند؟ بعنوان مثال ظهرنویس در ظهر سند تجاری عبارت عدم مسئولیت را درج و سپس امضاء و ظهرنویسی نماید، این بدان معنا است که چنانچه چک یا سفته یا برات با عدم پرداخت مواجه شد دارنده حق مراجعه به ظهرنویس را نداشته باشد. این شرط برخلاف ماده (۲۴۹) قانون تجارت بوده و قابل تأمل می‌باشد. چنانچه ماده (۲۴۹) قانون تجارت را از قواعد آمره بدانیم شرط برخلاف آن صحیح نمی‌باشد، چنانچه ماده (۲۴۹) از جمله مواد تکمیلی بدانیم می‌توان برخلاف آن توافق نمود، ظاهراً ۱۴۹ ماده (۲۴۹) از قواعد تکمیلی است زیرا طبق قاعده کلی حقوقی و قواعد عمومی حقوقی خصوصی مواد مرتبط با بحث‌های مالی (به غیر از شروط مجهول و شرط خلاف مقتضای عقد) می‌تواند از قواعد تکمیلی تلقی شود و افراد برخلاف آن ماده با یکدیگر توافقاتی را داشته باشند که البته نظر اسکینی برخلاف این امر بوده و ایشان ماده (۲۴۹) را از مواد امری تلقی نموده و شرط برخلاف آنرا شرط صحیحی نمی‌داند. با این وصف با ملاحظه کنوانسیون‌های بین‌المللی از جمله ژنو و آنسیترال این نتیجه حاصل می‌گردد که چنانچه مسئول اصلی پرداخت سند تجاری (یعنی برانگیر در برات و متعهد در سفته و صادرکننده چک) حسن شرطی را درج نمایند این شرط باطل بوده و صحیح نیست زیرا منطقی نیست که مسئول اصلی تعهد به پرداخت دهد و درعین حال به موجب شروطی خود را از این تعهد معاف دارد. اما چنانچه سایر افراد از جمله ظهرنویس، ضامن و براتکش چنین شرطی را درج نمایند؛ این شرط در مورد آنان صحیح می‌باشد زیرا اگر مسئول اصلی سند تجاری چنین شرطی را درج نماید شرط خلاف مقتضای عمل حقوقی صدور سند تجاری بوده و اساساً سند بلاموضوع می‌شود اما اگر سایر مسئولین این شرط را درج نمایند دارنده کماکان مسئول دیگری را جهت مراجعه پیش‌رو دارد. در تأیید صحت این شرط می‌توان به ماده (۳۸۱) قانون تجارت نیز متمسک شد زیرا در آن ماده نیز

آمده است: اگر عدل‌بندی، عیب ظاهری داشته و متصدی حمل و نقل مال را بدون قید عدم مسئولیت قبول کرده باشد؛ مسئول آواری خواهد بود. که این ماده نیز خود مهر تأییدی است بر این مطلب که در حقوق ایران (و قدر متیقن در حقوق تجارت) این شرط صحیح و معتبر بوده و به غیر از ورود صدمات و خسارات عمدی و خسارت وارده بر جسم می‌تواند در سایر موارد نیز شرط صحیحی تلقی گردد. در فقه، فقها به جای استفاده از عبارت «شرط عدم مسئولیت» از عبارت «شرط عدم ضمان» استفاده می‌کنند (میرزای قمی، ۱۳۷۱: ۴۰۱) و در مواردی از شرط عدم ضمان که موجب سقوط کامل ضمان می‌شود مثل مسئولیت پزشک در مقابل بیمار، استفاده و از آن بعنوان «شرط برائت» تعبیر کرده‌اند (گلپایگانی، ۱۳۷۱: ۲۴۲).

### ۱-۲- ارتباط شروط تحدید کننده و اسقاط مسئولیت با اصل آزادی در قراردادها

به عقیده برخی از نویسندگان آزادی قراردادها راه عادلانه تأمین نظم در روابط مالی مردم به شمار می‌آید و مقنن ترجیح می‌دهد به جای وضع قاعده برای تمام روابط نامحدود اجتماعی، توافق اشخاص را محترم بداند (کاتوزیان، ۱۳۶۴: ۱۴۵). همین آزادی در قلمرو اسناد تجاری برای طرفین سند قابل تصور می‌باشد. اما گستره اصل آزادی قراردادها، به رعایت قوانین امری منوط است. مقنن علاوه بر ماده (۱۰)، در مواد دیگری از قبیل (۹۷۵)، (۱۲۸۸)، (۱۲۹۵) ق.م. تأکید بر رعایت قوانین امری و نظم عمومی در تنظیم قراردادها و اسناد نموده است. در بند ۳ از ماده (۲۳۲) ق.م. شرطی را باطل اعلام کرد که نامشروع باشد. بدین ترتیب توافق خصوصی به شکل عقد یا در قالب شرط تنظیم می‌گردد نباید خلاف قوانین امری باشد. در فرض عدم رعایت آن به تعبیر برخی از نویسندگان، در این موارد قانون به اراده، حاکمیت نمی‌دهد و آنچه اراده انشاء نمود در عالم اعتبار و حقوق به وجود نمی‌آید. این قبیل تعهدات وفق ماده (۶) قانون آئین دادرسی مدنی در دادگاه‌ها نیز قابلیت استماع نخواهد داشت. طرفین سند تجاری، اعم از دارنده و مسئولان پرداخت آن می‌توانند در زمینه‌های مختلف با یکدیگر توافق نمایند و سبب تغییر تکالیف دارنده گردند؛ مانند آنکه دارنده، تکلیفی بر واخواست نداشته باشد و یا تا زمان خاصی نسبت به اخذ قبولی و به رویت رساندن سند اقدام یا خودداری ورزد و همچنین توافق برای رجوع دارنده به ثالث در صورت نکول برات به عمل آید ... ظاهراً به موجب اصل آزادی قراردادها باید این شروط و توافقات صحیح و لازم‌الاجراء باشد. اما باید مسلم گردد، قوانینی که آن تکالیف و وظایف را برای اشخاص مقرر می‌دارد جزء قوانین امری نمی‌باشد و در زمره قوانین تکمیلی است؛ چون مخالفت تراضی با قوانین تکمیلی بر صحت و اعتبار عقد خدشه‌ای وارد نخواهد ساخت. نقش این قوانین همانند عرف تکمیل قرارداد است. در این صورت امکان تراضی و توافق برخلاف آنها وجود دارد. اما اگر آن قوانین ناظر بر تکالیف را آمره بدانیم امکان چنین توافقی وجود ندارد. این قبیل تعهدات نامشروع و مغایر قانون محسوب و فاقد اعتباراند. همچنین اگر توافقات خصوصی متعرض حقوق اشخاصی گردد که در قرارداد مداخله نداشته‌اند

و به ضرر آنان آثاری را به بار آورد، برخلاف اصل نسبی بودن قراردادهای تلقی خواهد شد. ماده (۲۳۱) قانون مدنی اثر را فقط درباره طرفین متعاملان و قائم مقام آنها موثر می‌داند و تعهد به نفع ثالث نیز بطور استثنایی در ماده (۱۹۶) پذیرفته شد. بالطبع ایجاد تعهد به ضرر دیگران، دارای وجهت قانونی لازم نیست و تراضی اشخاص به ضرر کسی که در قرارداد دخالت نداشت، نافذ نیست. توافق بین دارنده با یکی از مسئولان اعم از صادر کننده یا ظهرنویس نه تنها بر روابط خود آنان موثر می‌باشد، بلکه دامنه این تأثیر می‌تواند به حقوق سایر اشخاص نیز منتهی گردد. بنابراین شناسایی اینکه چه دسته‌ای از قوانین آمره و یا غیرآمره می‌باشند و گستره توافق خصوصی و شروط تا چه حدی معتبر می‌باشد؛ مهم است. به عقیده برخی از حقوقدانان، هر قانونی که تراضی برخلاف آن جایز نباشد آن قانون مصداق قانون امری است و اراده فرد برخلاف آن تأثیر ندارد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱: ۲۱۴). جایی که نسبت به امری بودن قانون تردید وجود داشته باشد و مسلم نباشد، نباید آزادی اراده را محدود ساخت، چراکه اصل بر غیرامری بودن قوانین است (کاتوزیان، ۱۳۶۴: ۱۵۳-۱۴۹). اگر توافقات خصوصی که راجع به حق واقع می‌گردد و قانون صریحی بر منع آن توافق بدست نیاید، دلیلی بر بی‌اعتباری آن توافق وجود ندارد. زیرا حق در برابر حکم قرار دارد و امکان اسقاط آن وجود خواهد داشت؛ در حالیکه تراضی برخلاف حکم پذیرفته نیست (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱: ۳۰). همین وضعیت راجع به شروط نیز قابل تعمیم می‌باشد، زیرا شروط چیزی جزء تعهدات تبعی نیست، و اصل بر اعتبار آن خواهد بود و همین شروط هست که با تغییر در وضعیت قرارداد، آن را به تأمین نیازهای اشخاص نزدیک می‌کند.

۱۵۱

اصل آزادی قراردادی و مقررات ماده (۱۰) ق.م. رأی به اعتبار شروط کاهش مسئولیت می‌دهد. یعنی همان گونه که اشخاص در انعقاد قرارداد و ایجاد تعهد آزادند، در تعیین دامنه حقوق و تعهدات خود در برابر هم نیز آزادند. با وجود این، آزادی طرفین در این زمینه نامحدود نیست و شرط محدودیت مسئولیت در مواردی نافذ است که؛

- ۱- شرط، خلاف مقتضای ذات عقد نباشد. مثلاً در عقد ودیعه نگهداری مال مورد ودیعه، بصورت امانت مقتضای عقد و شرط عدم مسئولیت در نگهداری آن به استناد بند اول ماده (۲۳۳) ق.م. باطل و مبطل عقد است.
- ۲- شرط، نامشروع نباشد. شرط کاهش مسئولیت در مواردی که با قواعد نظم عمومی و اخلاق حسنه برخورد داشته باشد، نفوذ حقوقی ندارد. در صورتی که شخص به عمد باعث ورود خسارت می‌شود یا آگاهانه به اعمالی دست می‌زند که از نظر عرف در حکم عمد است، این شرط نمی‌تواند از تعهد او نسبت به جبران خسارت بکاهد؛ «زیرا در جامعه منظم هیچ‌کس حق ندارد در پناه قراردادی که به سود خود تحصیل کرده است در ضرر زدن به دیگران آزاد باشد، فراهم آوردن زمینه بد طینتی و مردم‌آزاری از نمونه‌های بارز تجاوز به نظم عمومی است» (اکبرزاده و ادهمی، ۱۴۰۰: ۸۷). همچنین در موردی که موضوع شرط کاهش مسئولیت، زیان

وارده به جسم و جان و شرافت اشخاص است، به دلیل احترام و کرامتی که شارع برای شخصیت افراد قائل است و به سبب جلوگیری از بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی در ایراد صدمه به افراد بشر، اعتبار و نفوذ شرط بصورت مطلق، مورد تردید خواهد بود. صرف‌نظر از معدود بودن مواردی که شرط کاهش مسئولیت در آنها با محدودیت‌هایی مواجه است و به دلیل استثنايي بودن موارد، باید به قدر متیقن حکم اکتفا نمود. پاره‌ای از نویسندگان حتی در مورد اینگونه مسئولیت‌ها نیز شرط را مشروع می‌دانند. در خصوص ارتباط اصل آزادی در قراردادهای با شرط اسقاط مسئولیت باید گفت که اصل این است که هر متعهدی در قبال تعهد خود مسئول باشد، ولی گاهی طرفین قرارداد، در ضمن عقد قرارداد، یا خارج از آن با هم توافق می‌کنند که در صورت ورود زیان به یکی از طرفین بر اثر انجام نیافتن تعهد، یا اجرای ناقص و یا تأخیر در انجام آن، متعهد از مسئولیت معاف شود. طرف قرارداد می‌تواند مسئول نبودن خود را تحت شرایط خاص (همچون عدم عمد و خطای بزرگ) نسبت به خسارت‌های احتمالی آینده ضمن عقد قرارداد، یا در یک عقد دیگر قید کند (اکبرزاده و ادهمی، ۱۴۰۰: ۸۸).

### ۱-۳- مبانی فقهی شروط اسقاط و تحدید مسئولیت

بحث از شروط تحدید یا مسئولیت مسئولیت را می‌توان در ابواب پراکنده کتب فقهی یافت. فقیهان امامیه عمدتاً بحث حاضر را در ابواب مربوط به ضمانات قراردادی مطرح کرده‌اند که به شروطی نظیر برائت پزشک یا دامپزشک در معالجه انسان و حیوان، شرط تبری از عیوب کالا پس از قبض، می‌توان اشاره کرد. علت قید کردن «پس از قبض» اشاره به این مطلب دارد که برخی فقها و حقوقدانان معتقدند هر گونه اسقاط یا تبری از عیوب و امثال آن، در زمان خیار حیوان، مجلس و شرط، موجب بطلان عقد می‌شود. در بیان علت این حکم، برخی معتقدند مسئولیت تلف در زمان این سه خیار، حکم است، نه حق و در نتیجه قابل اسقاط نیست. برخی دیگر نیز چون چنین اسقاطی را مخالف قاعده تلف قبل از قبض می‌دانند که ریشه آن در موازنه تسلیم در مقابل تسلیم است، چنین شرطی را باطل و مبطل قرارداد انگاشته‌اند. البته در اینکه شرط تبری از عیوب جزء شروط کاهش دهنده یا عدم تعهد است یا جزء شروط عدم مسئولیت، میان حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد. برخی شروط مزبور را جزء شروط عدم مسئولیت می‌دانند (جعفری لنگرودی، ۱۳۵۷: ۲۳۲) و برخی دیگر آن را نوعی شرط کاهش تعهد می‌دانند. به نظر می‌رسد شرط اسقاط تمام یا برخی از اختیارات را که توسط فقیهان مطرح شده (جعفری لنگرودی، ۱۳۵۷: ۲۳۲) و در ماده (۴۴۸) ق.م. انعکاس یافته نیز بتوان بعنوان یکی دیگر از مواضعی نامید که شرط تحدید یا عدم مسئولیت در فقه مطرح شده است. مشهور فقها بر این عقیده‌اند که چنین شروطی صحیح هستند؛ زیرا اصل بر آزادی اراده است و از سویی نیز چنین شروطی جزء آن دسته از توافقاتی نیستند که مغایر کتاب و سنت باشند و در نتیجه در عموم «المؤمنون



عند شروطهم» جای گرفته صحیح هستند. وانگهی مفاد قاعده تسلیط قرارداد نیز مؤید صحت اینگونه شروط است؛ زیرا طرفین قرارداد بعنوان افراد جائیز التصرف حق هرگونه دخل و تصرف در اموال خویش را خواهند داشت؛ (ماده ۳۰ ق.م) و دلیلی وجود ندارد که چنین شروطی خارج از اصل مذکور باشند؛ استحاله (اسقاط ما لم یجب) و دیگری (نظریه غرری بودن مسئولیت).

### ۱-۳-۱- استحاله اسقاط ما لم یجب

فقیهان امامیه بر این عقیده‌اند که زمانی اسقاط یا ابراء معنا دارد که حق یا دینی تجاری و یا مدنی وجود داشته باشد تا اسقاط یا ابراء از آن صحیح باشد. بنابراین اگر متعهدله بخواهد متعهد را بری الذمه کند، لازم‌هاش وجود حق یا دین قابل مطالبه در مرحله قبل از آن است. در محل بحث نیز چون قبل از ایجاد حق، مسئولیتی ایجاد نشده و ذمه متعهد در برابر متعهدله ایجاد نشده است؛ بی‌معنا است که بخواهیم بواسطه شرط عدم یا تحدید مسئولیت، ذمه متعهد نسبت به آینده را آزاد کنیم؛ اما در مقابل می‌توان گفت، در محل بحث اسقاط ما لم یجب اتفاق نیفتاده است؛ چراکه لازم‌هاست صحت اسقاط، وجود دین یا حق در خارج نیست، بلکه همین که مقتضی آن موجود باشد کافی است. در مورد شروط اسقاط یا تحدید مسئولیت مقتضی تعهد به مفاد قرارداد که مدلول مطابقی قرارداد است و نیز مقتضی مسئولیت در فرض عدم یا تاخیر در اجرای مفاد قرارداد که مدلول التزامی آن است به محض انعقاد قرارداد ایجاد می‌شوند. وانگهی اگر محذور اسقاط ما لم یجب بر محل بحث وارد باشد، لازم‌هاش این است که سایر موارد نظیر تبری از عیب، اسقاط تمام یا قسمتی از اختیارات و ... نیز مبتلابه اشکال باشند؛ در حالیکه چنین نیست (محقق داماد، ۱۳۹۵: ۲۵۹).

۱۵۳

### ۱-۳-۲- نظریه غرری بودن مسئولیت

گفته شده درج شرط عدم یا تحدید مسئولیت می‌تواند منجر به غرری شدن قرارداد شود؛ زیرا مشروطاً علیه نمی‌داند وضعیت قرارداد پس از انعقاد از حیث اجرایی شدن مفاد آن چگونه خواهد بود. فقهای امامیه در بحث تبری بایع از عیوب مبیع این ایراد را مطرح کرده و معتقدند از حیث تحلیلی، چنین شرطی مستلزم غرری شدن قرارداد می‌شود؛ زیرا مشتری نمی‌داند کالایی که خریداری کرده واقعاً معیوب است یا نه، بلکه او با اعتماد بر سخن بایع یا سکوت او اقدام به انعقاد قرارداد می‌کند و بنابراین قرارداد مزبور مستلزم نوعی غرر است. بویژه در مواردی که غرر به عوضین سرایت کرده، فساد شرط غرری، قرارداد را نیز فاسد کند؛ (ماده ۲۲۳ ق.م) در نقد این استدلال می‌توان گفت: ملاک تشخیص غرر در قرارداد، عرف عملی است و قدر متیقن از عمل عرف این است که در مواقعی که شرط اسقاط یا تحدید مسئولیت با نظم عمومی تداخلی نداشت هیا مربوط به حقوق جانی و تقصیرهای عمدی و در حکم عمد نباشد؛ عرف خطر ناشی از قرارداد تجاری را می‌پذیرد. وانگهی در شروط ناظر به تحدید یا اسقاط ضمان قراردادی، مشروطاً له با اندراج شرط قصد نداشته که عدم پایبندی

خود به تعهدات قراردادی را اعلان کند؛ بلکه تنها فرضی را پیش‌بینی کرده که از عهده اجرای تمام یا برخی از تعهدات برنیاید. در چنین مواردی مشروط علیه با در نظر گرفتن اوضاع و احوال حاکم بر قضیه (که رافع گرند) اقدام به پذیرش چنین شروطی می‌کند (عیسائی تفرشی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۱۴).

## ۲- اعتبار و موانع نفوذ شروط اسقاط و یا تحدید مسئولیت

در خصوص اعتبار شروط اسقاط و یا تحدید مسئولیت و اینکه اصل بر اعتبار این شروط است یا بی‌اعتباری آنها، اختلاف وجود دارد. در این مبحث ابتدا راجع به دلایل قائلین به صحت این شروط و ادله مخالفین آن بحث خواهد شد و سپس موانع نفوذ آن مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

### ۲-۱- اعتبار شروط اسقاط و یا تحدید مسئولیت

برای اینکه معلوم شود درج شرط تحدید یا عدم مسئولیت در اسناد تجاری شرط صحیح است یا خیر؟ بایستی ابتدا به نظرات طرفداران و مخالفان صحت شروط اسقاط و یا تحدید مسئولیت پرداخت؛ چراکه هریک برای خود دلایلی دارند در این قسمت دلایل هریک جداگانه مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

گفته شده است که مسئولیت تضامنی یکی از مزیت‌های اسناد تجاری است که قانونگذار در ماده (۲۴۹) قانون تجارت در جهت حمایت از دارنده سند وضع نموده و برخلاف آن طرفین نمی‌توانند شرط کنند. صرف‌نظر از اینکه از نظر کنوانسیون‌های بین‌المللی شرط اسقاط یا تحدید مسئولیت به شرحی که خواهد آمد پذیرفته شده است، با دقت معلوم می‌شود که ماده مزبور فقط قاعده تضامن را در اسناد براتی بیان می‌کند و مسئولیت تضامنی یک نوع امتیازی است که قانونگذار برای دارنده سند در نظر گرفته است و جنبه نظم عمومی نداشته و از قواعد آمره محسوب نمی‌شود و صاحب امتیاز می‌تواند از آن امتیاز صرف‌نظر نماید. اعتقاد به بطلان چنین شروطی برخلاف اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادهای بوده و با استنباط از مواد (۲۷۵) و (۲۷۶) و (۲۷۸) و (۲۳۳) قانون تجارت می‌توان در مسئولیت مسئولین سند محدودیت ایجاد نمود. بنابراین براتکش می‌تواند شرط نماید که مسئول تحصیل قبولی برات توسط براتگیر نباشد. در رابطه با صدور و ظهرنویسی اسناد تجاری که به تعبیری یک عمل حقوقی دو طرفه و عقد است. می‌توان معلوم و مشخص نمود که وضعیت درج شرط تحدید یا عدم مسئولیت متضامنین اسناد تجاری چگونه است؟ از نظر قانون مدنی شرط سه نوع است. شرط صحیح، شرط باطل و شرط باطل و مبطل عقد. طبق ماده (۲۳۲) شروط باطل عبارت از شروطی است که انجام آن غیرمقدور بوده یا نفع و فایده‌ای نداشته و یا نامشروع باشد؛ و شروط باطل و مبطل عقد طبق ماده (۲۳۳) عبارتند از شرط مجهولی که جهل به آن موجب جهل به عوضین شود و شرطی که خلاف مقتضای عقد باشد. شایان ذکر است که ماده (۲۱۳) قانون تجارت که در مقام بیان مسئولیت تضامنی متضامنین اسناد

تجاری است، هرچند در تعارض با مواد (۶۹۸) و (۷۳۰) قانون مدنی است اما با عنایت به اینکه قانونگذار به موجب مواد (۲۷۶) و (۲۷۸) قانون تجارت توافق طرفین را برخلاف آن مجاز دانسته است و بنا به استدلالی که عنوان شد می‌توان گفت که ماده (۲۴۹) قانون تجارت جزء قوانین آمره نبوده و طرفین می‌توانند برخلاف آن توافق نمایند (الفی و دیگران، ۱۴۰۱: ۹۲-۹۱).

## ۲-۱-۱- ادله موافقین صحت شروط اسقاط و یا تحدید مسئولیت

### الف) اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادها

ماده (۱۰) قانون مدنی که مؤید اصل آزادی قراردادی است، از ماده (۱۱۳۴) قانون مدنی فرانسه گرفته شده و این اصل در نظر قانونگذار فرانسه، یکی از نتایج اصل حاکمیت اراده است. به بیان دیگر، اراده مهم‌ترین عامل و یا تنها عامل ایجاد قرارداد به شمار می‌رود و به معنای طلب کردن چیزی است و اصطلاحاً به معنای اختیار کردن یا گزینش یک غایت از میان خواسته‌های متفاوت است. پس در نتیجه، اراده‌های صحیح و سلیم حق دارند، هرطور که مایلند در زمینه دیون و تعهدات خود توافق کنند، البته مشروط به اینکه فراتر از چارچوب ضوابط اساسی و امری شارع نروند. از تأمل در ماده (۱۰) قانون مدنی که می‌گوید: (قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد کرده‌اند، در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد، نافذ است)، به خوبی روشن می‌شود که قانونگذار ایران نیز قراردادهای خصوصی بین افراد و توافق اراده طرفین را به رسمیت می‌شناسد و اصل را در قراردادها، حاکمیت اراده طرفین ساخته است. اما بدیهی است قراردادهایی که مخالف قوانین امری و نظم عمومی و اخلاق حسنه باشد به موجب این ماده باطل اعلام شده است و اصل آزادی قراردادی، در محدوده مقررات شرعی به رسمیت شناخته شده است (رحیمی و علیزاده، ۱۳۹۶: ۱۶۱). اصل آزادی قراردادی اصلی پذیرفته شده به این مضمون است که افراد در انعقاد قراردادهای دو یا چندجانبه آزاد هستند و کسی نمی‌تواند در این باره هیچگونه محدودیتی را بر اراده انسان برای معین کردن شروط و حدود تحمیل کند (طاهری و دیگران، ۱۳۸۴: ۱۸). عبارت دیگر هرکس می‌تواند به اراده خود تعهدات و قراردادهای الزام‌آوری را که از لحاظ قانون قابل اجرا است و ضمانت اجرائی دارد قبول کند یا از قبول آن امتناع نماید. بنابراین طرفین باید بتوانند آن عقد را در محدوده‌ای که مدنظر آنها است تنظیم کنند (پاشا صالح، ۱۳۷۵: ۲۶۲).

### ب) اصل صحت شروط

صدور سند تجاری و شرط ضمن آن، یک عمل حقوقی طرفینی است. سوال قابل طرح در این زمینه این است که آیا شرایط عمومی صحت شرط ضمن عقد، در صحت شرط مزبور معتبر است. در فقه، شیخ انصاری تا ۹ مورد را بعنوان شرایط صحت شرط مطرح کرده است (محقق داماد، ۱۳۸۸: ۸۷). اگر نتوان گفت که همه

شرایط صحت شرط ضمن عقد، در صحت شرط ضمن این عمل حقوقی لازم است؛ به یقین می‌توان ادعا کرد که وجود برخی از آنها در صحت آن ضروری است (بیگی حبیب‌آبادی و یعقوبی مهاری، ۱۳۹۱: ۲۸). در صورتی که شرط اسقاط و یا تحدید مسئولیت دارای شرایط لازم برای صحت شروط باشد و فاقد موانع نفوذ باشد در صحت این شروط تردیدی وجود ندارد و همانگونه که وفای به عقد لازم است وفای به شروط اضافه شده به آن هم لازم است. در صورتی که در صحت شرطی تردید شود اصل بر صحت شرط است و بایستی آن را نافذ بدانیم (حائری، ۱۳۷۷: ۵۵).

### ج) پذیرش عرف و نیاز جامعه

با وجود شرط عدم مسئولیت بهاء خدمات و نیز قیمت مورد معامله کاهش می‌یابد و عرف نیز شرط عدم مسئولیت را پذیرفته است چراکه نیاز جامعه چنین اقتضا دارد و از نتایج حاصل از درج چنین شرطی که گاهی با هدف کاهش دعاوی و جلوگیری از نزاع در معاملات پیش‌بینی و درج می‌گردد و گاهی نیز فقدان چنین شرطی که ممکن است با کاهش رغبت به ارائه برخی خدمات منجر گردد زمینه را برای پذیرش عرف فراهم می‌سازد بطور مثال باتوجه به نیاز عمومی به معالجه اگر شرط براءت پزشک پذیرفته نشود پزشکان از معالجه خودداری می‌نمایند و از خوف مسئولیت به جراحی و اعمال مخاطره‌آمیز پزشکی مبادرت نمی‌نمایند. و همانطور که برخی فقها گفته‌اند: «مشهور بین اصحاب آن است که ابراء قبل از معالجه صحیح است و روایات نیز این موضوع را تجویز نموده است». به عقیده یکی از نویسندگان حقوقی «تکامل تجارت محتاج به نفوذ شرط عدم مسئولیت است، نیاز در سطح وسیع، بیان‌کننده مصلحتی وسیع است. علاوه بر این، متعهد با قبول این شرط به ضرر خود، عوض کمتری پرداخت می‌کند. وقتی که قانون، بیمه مسئولیت را تجویز می‌کند، طبعاً باید شرط عدم مسئولیت را هم تجویز کند» (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۹: ۳۱۹).

### ۲-۱-۲- ادله مخالفین صحت شروط اسقاط و یا تحدید مسئولیت

مخالفین صحت شروط اسقاط و یا تحدید مسئولیت عمدتاً به مغایرت آن با نظم عمومی، امری بودن نظام مسئولیت قراردادی، برای دین ناموجود و اختیاری شدن اجرای تعهد و بی‌جهت ماندن تعهد طرف مقابل، استناد کرده‌اند که به اختصار به آنها اشاره می‌شود.

#### الف) مغایرت با نظم عمومی

مخالفان با استناد به مخالفت شروط اسقاط و یا تحدید مسئولیت با نظم عمومی، آنها را کاملاً باطل دانسته‌اند و یا اعتبار آنها را از اصل به استثنا تنزل داده‌اند. به اعتقاد برخی از نویسندگان، پیش از این، نظم عمومی از جنبه اخلاقی و اقتصادی دلیل بطلان تلقی می‌شد ولی امروز بیش از هر چیز جنبه حمایتی نظم عمومی یا نظم عمومی حمایت‌کننده است که آنها را باطل می‌داند. نظم عمومی حمایتی، موجب عدالت بیشتر در قراردادها و امنیت بیشتر در مسئولیت مدنی است و شروط عدم مسئولیت مخالف عدالت و امنیت و در نتیجه

مخالف نظم عمومی حمایتی است. به دلیل این ایراد در بسیاری از کشورها مقررات خاصی در ارتباط با شروط عدم مسئولیت در روابط میان حرفه‌ای‌ها و مصرف‌کنندگان وضع شده است. اما نمی‌تواند اعتبار اصولی شروط مسئولیت را از بین ببرد (ایزانلو، ۱۳۹۵: ۱۱۳). در حقوق ایران بعنوان نمونه ماده (۷) قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان خودرو مصوب ۱۳۸۶/۰۳/۲۳ مقرر داشته: هر نوع توافق مستقیم یا غیرمستقیم بین عرضه‌کننده، واسطه فروش با مصرف‌کننده که به موجب آن تمام یا بخشی از تعهداتی که عرضه‌کننده برطبق این قانون و یا ضمانت‌نامه صادره، برعهده دارد ساقط نماید یا بعهده واسطه فروش یا هر عنوان دیگری گذارده شود، در برابر مصرف‌کننده باطل و بلااثر می‌باشد.

### (ب) امری بودن نظام مسئولیت

برخی با بیان اینکه قواعد حاکم بر مسئولیت، اعم از قراردادی و غیرقراردادی، از قواعد امری محسوب می‌شوند آن را مانعی برای اعتبار شروط اسقاط و یا تحدید مسئولیت دانسته و توافق برخلاف آن را باطل می‌دانند. در پاسخ به این ایراد گفته‌اند؛ اولاً امری بودن یک تعهد به معنای امری بودن مسئولیت ناشی از آن نیست تا شرط عدم مسئولیت در مورد چنین تعهداتی بی‌اثر باشد. برعکس تکمیلی بودن تعهد قراردادی نیز به خودی خود بر تکمیلی بودن مسئولیت ناشی از آن دلالت نمی‌کند. ثانیاً اگر این قواعد که در واقع در ضرورت پرداخت دین مربوط به جبران خسارت خلاصه می‌شوند امری‌اند چرا طرفین همیشه می‌توانند دین مربوط به آن را کاهش دهند یا از بین ببرند. باتوجه به اینکه پس از وقوع خسارت حتی اگر ناشی از عمل مجرمانه باشد ۱۵۷ می‌توان از آن صرف‌نظر کرد، این ایراد را وارد ندانسته‌اند. عده‌ای به این شیوه از نگرش به موضوع انتقاد داشته و با بیان اینکه طرفین پس از وقوع خسارت حتی اگر ناشی از عمل مجرمانه باشد، همیشه می‌توانند دین مربوط به آن را کاهش دهند یا از بین ببرند، به این معنا نیست که قواعد مربوط به مسئولیت مدنی در هر حال تکمیلی است و قاعده‌ای می‌تواند در مرحله‌ای امری تلقی شود و در مرحله‌ای تکمیلی باشد بعنوان مثال پرداخت نفقه زوجه نسبت به ماه آینده، قاعده امری است اما با گذشت این مدت دین مربوط به نفقه گذشته جنبه امری خود را از دست می‌دهد و به یک قاعده تکمیلی تبدیل می‌شود. مثال دیگر اینکه پیش از شروع مرور زمان و در خلال آن، مرور زمان قاعده‌ای امری است اما پس از سپری شدن این مدت مرور زمان جنبه تکمیلی دارد (ایزانلو، ۱۳۹۵: ۱۱۰). مثال اخیر براساس ارجاع نویسنده کتاب در پاورقی متعلق به کسی است که مبنای نظریه او این است که حق است که قابل اسقاط است و مرور زمان در مرحله قبل از شروع و شمول آن، حق نیست تا قابل اسقاط باشد اما پس از شمول مرور زمان، حق و قابل اسقاط است (جعفری لنگرودی، ۱۳۵۷: ۱۴۶). مثال نخست درخصوص نفقه آینده و معوقه هم براساس این مبنا درست است و ارتباطی با بحث قواعد امری و یا تکمیلی ندارد. نویسنده در پایان این بحث با بیان اینکه قانون مدنی قواعد مربوط به

مسئولیت مدنی را تکمیلی دانسته، معتقد است تنها قانون معیار تعیین امری بودن یا نبودن قواعد مربوط به آن نخواهد بود، درجه بستگی این قواعد با نظم عمومی است که امری بودن یا نبودن آنها را تعیین می‌کند (ایزانلو، ۱۳۹۵: ۱۱۲). ولی به اعتقاد ما هر دو ملاک و معیار قانون و نظم عمومی برای تشخیص امری و یا تکمیلی بودن قواعد مربوط به مسئولیت قراردادی ضروری است و معیار قانون مقدم بر نظم عمومی است و در صورت سکوت قانون باید با معیار نظم عمومی به تشخیص قواعد امری از تکمیلی پرداخت.

### ج) شرط اسقاط و یا تحدید مسئولیت ابرای دین ناموجود است

یکی از ایراداتی که مخالفان (ایزانلو، ۱۳۹۵: ۱۰۳)، شرط اسقاط و یا تحدید مسئولیت مطرح کرده‌اند، این است که این شرط ابرای دین ناموجود است و ابراء از دین ناموجود به معنی تعلق قصد به معدوم است و این امر محال است و ابرای دین ناموجود باطل است. بنابراین شرط اسقاط و یا تحدید مسئولیت باطل است. در پاسخ به این اشکال به هر دو مقدمه استدلال ایراد گرفته‌اند که اولاً شرط اسقاط و یا تحدید مسئولیت، ابراء دین ناموجود نیست. زیرا شرط اسقاط و یا تحدید مسئولیت نه تنها ابراء از دین ناموجود نیست بلکه اصولاً ابراء نیست و شرط اسقاط و یا تحدید مسئولیت یک شرط است و بر فرض اینکه شرط نتیجه تلقی شود این بدان معنا نیست که شرط حاوی نتیجه ابراء است تا نتیجه گرفته شود که چون وقوع شرط به سبب خاص که وجود دین است نیاز دارد، شرط باطل است. براساس ماده (۲۳۴) قانون مدنی شرط نتیجه؛ آن است که تحقق امری در خارج شرط شود. تحقق به معنای وقوع و عدم وقوع است. همان‌گونه که در شرط فعل به معنای اقدام و عدم اقدام است. از سوی دیگر، امر لزومی ندارد که یک عمل حقوقی باشد. با یک تفسیر موسع می‌تواند یک امر اعتباری باشد. این امر اعتباری می‌تواند عمل حقوقی یا واقعه حقوقی باشد و نگارش وسیع بند ۲ ماده (۲۳۴) قانون مدنی، به ما این اجازه را می‌دهد که وقایع حقوق اعتباری را در قلمرو امر تفسیر کنیم. شرط اسقاط مسئولیت اگر شرط نتیجه تلقی شود به معنی این است که طرفین اراده کرده‌اند که واقعه حقوقی مسئولیت به فرض فراهم بودن شرایط تحقق نیابد. بنابراین شرط اسقاط مسئولیت به معنی ابراء از دین آینده نیست و توافقی است برای جلوگیری از ایجاد مسئولیتی که شرایط آن فراهم است. ثانیاً ابراء از دین ناموجود باطل نیست. زیرا سقوط مسئولیت به معدوم تعلق نمی‌گیرد که باطل باشد بلکه به موجودی تعلق می‌گیرد که سبب آن فراهم شده و در آینده به وجود می‌آید و طرفین خواسته‌اند این دین پس از ایجاد ساقط شود. بنابراین همانطوریکه براساس مفهوم مخالف ماده (۶۹۱) قانون مدنی ضمانت از دینی که سبب آن و یا به تعبیر برخی از نویسندگان حقوقی مقتضی آن موجود است باطل نیست (کاتوزیان، ۱۳۶۴: ۱۶۳). بنابراین شرط اسقاط مسئولیت هم که توافقی است برای جلوگیری از ایجاد مسئولیتی که سبب و مقتضی آن فراهم است، باطل نیست.

## ۲-۲- موانع نفوذ شروط اسقاط و یا تحدید مسئولیت

برای اینکه شرط اسقاط و یا تحدید مسئولیت بتواند بعنوان یک دفاع مؤثر در مقابل دعوی جبران خسارت در محاکم پذیرفته شود، وجود شرایط صحت و اعتبار آن در مرحله انعقاد کافی نیست و باید فاقد موانع نفوذ باشد. آنچه به اعتقاد حقوقدانان مانع نفوذ شرط اسقاط و یا تحدید مسئولیت است، ارتکاب یک تقصیر سنگین یا عمدی از سوی مدیون است در برخی از کشورها با درجه بندی تقصیر، آن را به تقصیر عمدی و غیر عمدی، و تقصیر غیر عمدی را به بسیار سبک و سبک و سنگین تقسیم کرده اند البته این تقصیر ممکن است از ناحیه شخص مدیون باشد یا بوسیله کسی که به نیابت از وی به اجرای تعهد قیام می کند، که بصورت جداگانه در خصوص هر کدام بحث خواهد شد.

### ۲-۲-۱- شروط اسقاط و یا تحدید مسئولیت ناشی از ضرر و زیان فعل مدیون

بر اساس قوانین موضوعه کنونی کشور ما شدت و ضعف تقصیر، مطابق آنچه در برخی از کشورها صورت گرفته، درجه بندی نشده است و ماده (۹۵۳) قانون مدنی تقصیر را اعم از تعدی و تفریط دانسته است و مواد (۹۵۱) و (۹۵۲) قانون مذکور تعدی را تجاوز نمودن از حدود اذن یا متعارف، نسبت به مال دیگری تعریف می کند و در مقام تعریف از تفریط بیان داشته است؛ ترک عملی که به موجب قرارداد یا بصورت متعارف برای حفظ مال غیر لازم است. و در سایر مقررات بیشتر به بیان مصادیق پرداخته شده است. مصادیق تقصیر و آثار آنها در قوانین، حکایت پذیرش شدت و ضعف تقصیر در قوانین است که ضعیف ترین تقصیر، خطای قابل اغماض و شدیدترین تقصیر فعل و یا ترک فعلی است که با علم بر احتمال وقوع خسارت باشد. بعنوان مثال مواد (۳۲۵) و (۲۰۶) قانون مجازات اسلامی برخی از مصادیق قتل عمد را تعیین می کند. بر اساس اصل ۱۷۱ قانون اساسی جبران خسارت ناشی از تقصیر قاضی بعهد خود او و خسارت ناشی از اشتباه قاضی بعهد دولت است. برخی اشتباه مذکور در این اصل را معادل تقصیر سبک و تقصیر را معادل تقصیر سنگین دانسته است (ایزانلو، ۱۳۹۵: ۱۶۰). باتوجه به ماده (۳۳۶) قانون مجازات اسلامی در صورتی که در اثر تصادم دو وسیله نقلیه، خسارتی به آنها وارد شود و هر دو مقصر باشند. هریک از آنها ضامن نصف خسارت دیگری است و شدت و ضعف تقصیر یکی نسبت به دیگری تأثیری در مسئولیت آنها ندارد. یا طبق ماده (۳۹۱) قانون تجارت از تقصیر سنگین به تقصیر عمده تعبیر کرده است و آن را در ردیف تدلیس قرار داده است و متصدی حمل و نقل مال التجاره را در صورت تقصیر عمده، هرچند کالا بدون قید و شرط تحویل و حتی کرایه آن هم پرداخت شده باشد را مسئول آواری می داند. در بند ۲ ماده (۴) قانون مسئولیت مدنی دادگاه در مواردی که غفلت قابل اغماض موجب خسارت می شود می تواند در میزان خسارت تخفیف دهد. بر اساس ماده (۱۱۵) قانون دریایی مسئولیت متصدی حمل در صورت صدمات وارده به مسافر یا فوت او محدود به میزان معینی از خسارت گردیده است.

لکن براساس ماده (۱۱۶) قانون مذکور چنانچه علت خسارت ناشی از فعل و ترک فعلی باشد که متصدی حمل عامداً یا با علم به احتمال وقوع خسارت انجام داده است، در این صورت نمی‌تواند از تحدید مسئولیت مقرر در ماده (۱۱۵) استفاده کند. براساس این ماده، فعل یا ترک فعلی که با علم به احتمال وقوع ضرر انجام شده است را در ردیف عمد قرار داده است.

### ۲-۲-۲- شرط اسقاط و یا تحدید مسئولیت ناشی از ضرر و زیان فعل غیر

باتوجه به اینکه اجرای قرارداد و عمل به تعهد همیشه بوسیله شخص مدیون انجام نمی‌شود و گاهی مواقع تمام و یا بخشی از تعهد توسط دیگران انجام می‌شود که یا بعنوان مأمور و مباشر مدیون هستند، مانند کارگران یک پروژه عمرانی و یا بعنوان جانشین مستقل در اجرای قرارداد می‌باشد و خود با مدیون قرارداد داشته و در مقابل او متعهد است. مانند متصدیان حمل و نقل که بعنوان جانشین شرکت حمل و نقل وظیفه حمل و نقل کالا را بعهده دارند. این سوال قابل طرح است که آیا مدیون با شرط اسقاط و تحدید مسئولیت فقط می‌تواند مسئولیت خود را اسقاط و یا محدود کند؟ و یا اینکه با این شرط می‌تواند مسئولیت خود را در قبال افعال و رفتار مباشران خود را هم محدود کند؟ و بر فرض مثبت بودن پاسخ قلمروی نفوذ آن شامل تقصیر عمدی و سنگین هم می‌شود؟

۱۶۰ مسئولیت ناشی از فعل مباشر یا بر مبنای قانون است و یا قرارداد، و هر مسئولیتی یا در نتیجه تخلف از تعهد است و یا حاصل نقض یک تکلیف است، و به تعبیر بهتر گاهی مسئولیت قهری و گاهی قراردادی است. آیا شرط اسقاط و تحدید مسئولیت آمر در مسئولیت مباشر در نقض قانون و یا تخلف از قرارداد هم مؤثر است. در این خصوص نظریات گوناگونی مطرح شده است. برخی مسئولیت ناشی از فعل غیر را مربوط به نظم عمومی دانسته و این شرط را به کلی باطل می‌دانند. گروهی بین مسئولیت قهری و قراردادی قائل به تفکیک شده‌اند. برخی از آنها این شرط را در مسئولیت قهری درست می‌دانند هرچند مباشر مرتکب تقصیر عمدی شده باشد و در مسئولیت قراردادی تا جایی صحیح می‌دانند که مباشر مرتکب تقصیر سنگین نشده باشد و عده‌ای برعکس در مسئولیت قراردادی شرط را صحیح می‌دانند ولی در مسئولیت قهری شرط را مربوط به نظم عمومی و باطل می‌دانند. عده زیادی از نویسندگان شرط اسقاط و یا تحدید مسئولیت را در خصوص مباشر، مانند مدیون می‌دانند و همان محدودیت عدم نفوذ شرط را برای تقصیر عمدی و سنگین مباشر قائل شده‌اند و در صورتی که مباشر مرتکب تقصیر عمدی یا سنگین شود مدیون علیرغم شرط مذکور مکلف به جبران خسارت وارده به زیان دیده است. برخی هم اعتقاد به نفوذ کامل این شرط دارند و این شرط را حتی در صورت ارتکاب یک تقصیر عمدی و سنگین صحیح می‌دانند (ایزانلو، ۱۳۹۵: ۲۰۲-۱۸۵).

یکی از نویسندگان حقوقی در خصوص شرط اسقاط و تحدید مسئولیت ناشی از خسارت کارگران بین موردی که قرارداد بین کارفرما و کارگر بسته شود و یا بین کارفرما و شخص ثالث بسته شود. قائل به تفکیک شده



است و با استناد به ماده (۱۲) قانون مسئولیت مدنی معتقد است کارفرما در قراردادی که با کارگر می‌بندد نمی‌تواند از مسئولیت پیش‌بینی شده در ماده (۱۲) قانون مذکور تبری جوید و کارگر را ضامن خسارت ناشی از فعالیت اقتصادی خود سازد. چنین قرارداد یا شرطی، مخالف نظم عمومی است و حق کسانی که از این فعالیت زیان می‌بینند را بدون آنکه در اسقاط آن مداخله داشته باشند، از بین می‌برد. ولی هیچ مانعی ندارد که کارفرما در قرارداد خصوصی که با دیگران می‌بندد از این تضمین در رابطه با آنها بکاهد یا مسئولیت خود را به مبلغ معین محدود کند یا از آن تبری جوید. زیرا این قاعده که کارفرما ضامن خطاهای کارگران خود باشد با نظم عمومی ارتباط ندارد و تضمینی است به سود طرف قرارداد که می‌تواند به اختیار از آن بگذرد، به زیان کارگران هم نیست. چراکه اینان در هر حال مسئول تقصیرهای شخصی خود هستند (کاتوزیان، ۱۳۶۷: ۸۴۲). همین نویسنده در کتاب دیگری که از ایشان منتشر شده است تحت عنوان شرط عدم مسئولیت ناشی از فعل کارگران ضمن اشاره به مطالبی که بیان شد به بحث عمد و تقصیرهای سنگین کارگران در شرط عدم مسئولیت پرداخته و می‌نویسد: «در جایی که سبب ورود خسارت، هرچند که با تقصیر یا مباشرت کارگران همراه باشد، تقصیر کارفرما باشد. (مانند نقص در مدیریت و انتخاب کارگر غیر متخصص) این شرط تابع قواعد مربوط به رفع مسئولیت از خود است. ولی در فرضی که تقصیری را به او نمی‌توان نسبت داد، شرط عدم مسئولیت در مورد عمد و تقصیرهای سنگین کارگران نیز مؤثر است. آنچه از نفوذ شرط می‌کاهد، جلوگیری از اضرار عمدی و تقلب و خروج از مرز حسن نیت در قراردادها است ولی در موردی که کارگر عمد در اضرار ۱۶۱ دارد معلوم نیست که کارفرما یا طرف اصلی قرارداد نیز همین وضع را داشته باشد. کارفرما باید موانع اجرای قرارداد را با حسن نیت از پیش پا بردارد و اگر در حدود عرف کوتاهی کند مقصر است، ولی در جایی که اضرار را نمی‌توان به او منسوب کرد، نمی‌توان گفت، چون کارگر در نقض عهد عمد داشته است، او نیز در حکم عامد محسوب می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۶۷: ۸۴۲).

## ۲-۳- تحلیل شروط اسقاط و تحدید مسئولیت در اسناد تجاری

### ۲-۳-۱- تحلیل شروط اسقاط مسئولیت در اسناد تجاری

از آنجا که صادر کننده اولین کسی است که سند تجاری را ایجاد و به جای پول وارد چرخه مبادلات اقتصادی می‌کند و معمولاً این اسناد در مقابل تعهدات مالی و قراردادهای فی‌مابین تنظیم و به طرف مقابل ارائه می‌شود؛ ممکن است صادر کننده، پرداخت آن را به تحقق شرط یا شروطی موقوف کند که در قرارداد درج شده است. اگر در سند تجاری اشاره‌ای به چنین تراضی نشده باشد؛ این شرط یا شروط صرفاً بیان طرفین قرارداد معتبر است و در حق دارنده با حسن نیت که اطلاعی از آنها ندارد؛ مؤثر نیست. این امر، یکی از ویژگی‌ها و اوصاف اسناد تجاری است که از آن به عدم قابلیت استناد به ایرادها و ادعاهای یاد می‌شود و این شروط از بحث مقاله،

خارج است. آنچه در این قسمت بررسی می‌شود؛ شرطی است که صادر کننده هنگام تنظیم اسناد تجاری در متن آن درج و در آن مسئولیت خود را در پرداخت اسقاط می‌کند.

#### الف) شرط عدم مسئولیت صادر کننده در برات

قانون تجارت در اینباره که آیا صادر کننده برات می‌تواند ضمن صدور برات، مسئولیت خود را در پرداخت اسقاط کند، سکوت اختیار کرده است و نویسندگان حقوق تجارت هم، برخی به تبعیت از قانونگذار سکوت کرده‌اند و بعضی به اجمال درباره آن بحث کرده‌اند. عرفانی با استناد به ماده (۲۴۹) قانون تجارت، برات کش را با سایر امضا کنندگان سند بنحو تضامن مسئول می‌داند و اعتقاد دارد در حقوق ایران، برات کش نمی‌تواند در قبولی یا پرداخت برات از خود سلب مسئولیت کند مگر اینکه وجه برات را تحت شرایط مواد (۲۷۴) و (۲۷۵) و (۲۹۰) و (۲۹۱) قانون تجارت به برات گیر رسانده باشد (عرفانی، ۱۳۸۸: ۵۶).

کاویانی در کتاب خود، در بحثی با عنوان (شرط عدم مسئولیت صادر کننده)، با بیان اینکه این شرط درخصوص برات، غرض عقلایی دارد، همچنان که در عقد حواله در قانون مدنی نیز محیل بدون نیاز به شرط، بری الذمه می‌شود و ممکن است صادر کننده بخواهد طلبی را که از محال علیه دارد به غیر واگذار کند اما مایل نیست که ضامن پرداخت هم باشد بلکه می‌خواهد ریسک وصول طلب را نیز کلاً به غیر واگذار و خود را از قید مسئولیت آزاد کند، از طرفی آن را مخل فلسفه وجودی اسناد تجاری دانسته است باید قابلیت جایگزینی پول را داشته باشند و از طرف دیگر به لحاظ سکوت قانونگذار و اینکه کنوانسیون‌های ژنو منابع مناسب‌تری برای تکمیل خلاهای قانون تجارت است، تلویحاً به بطلان شرط عدم مسئولیت از ناحیه صادر کننده برات قائل شده است. انتقادی که به نظر می‌رسد می‌توان به این نظر نویسنده کتاب وارد کرد، این است که:

**اولاً؛** قانون تجارت در پاسخ به این سوال سکوت اختیار کرده است و نصی در این خصوص وجود ندارد. از طرفی، ماده (۲۴۹) قانون تجارت باتوجه به تعریفی که حقوقدانان از قوانین الزامی و امری در مقابل قوانین اختیاری و تکمیلی کرده‌اند، از قوانین امری و الزامی نیست که نتوان برخلاف آن تراضی کرد. بعلاوه، قانونگذار در ماده (۲۷۸) قانون تجارت مقرر داشته است: مقررات فوق، مانع نخواهد بود که بین دارنده برات و برات دهنده و ظهرنویس‌ها قرارداد دیگری مقرر گردد. بنابراین، توافق طرفین برخلاف این مقررات، اگر با قواعد عمومی قراردادها مغایرتی نداشته باشد، فاقد اشکال است (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۲: ۹۷-۹۶).

**ثانیاً؛** درخصوص استناد به کنوانسیون ژنو، هرچند که در ماده (۹) کنوانسیون ژنو ۱۹۳۰ شرط عدم مسئولیت برات کش در پرداخت کان‌لم‌یکن تلقی شده است، براساس این ماده، برات کش می‌تواند مسئولیت اخذ قبولی را از خود سلب کند. علاوه بر این، در بند دوم ماده (۳۸) کنوانسیون آنستیرال ۱۹۸۸ شرط عدم مسئولیت برات کش در پرداخت، مشروط به اینکه شخص دیگری مسئولیت آن را پذیرفته باشد یا بپذیرد، مورد قبول واقع شده است. به نظر می‌رسد کنوانسیون آنستیرال در این ماده از نظریه ضم ذمه به ذمه در اسناد تجاری

فاصله گرفته و به نظریه نقل ذمه به ذمه نزدیک شده است. از آنجا که کشور ما به هیچیک از این کنوانسیون‌ها ملحق نشده است، اینکه برای پر کردن خلاء قانونی، کنوانسیون ۱۹۳۰ ژنو بر کنوانسیون ۱۹۸۸ آنستیرال ترجیح داده شود، فاقد مبنا و ترجیح بلامرجع است بلکه می‌توان ادعا کرد که بند دوم ماده (۳۸) کنوانسیون ۱۹۸۸ آنستیرال با قواعد عمومی قراردادها و قانون مدنی کشور ما قابلیت بیشتری دارد و با اینکه نظریه بهتر می‌توان بعنوان منبع جایگزین، این شکاف قانونی را مسدود کرد.

بنابراین، برای پاسخ به این سوال، باید بین براتی که برات گیر آن را قبول کرده است و یا قبول می‌کند، و براتی که پذیرفته نشده است و یا نخواهد شد، تفکیک قائل شد. در جائیکه غیر از صادر کننده مسئول دیگری برای پرداخت برات نمی‌توان تصور کرد، چنانچه صادر کننده هم بخواهد با چنین شرطی از مسئولیت پرداخت شانه خالی کند، این شرط به دلیل این که برخلاف مقتضای ذات است، قطعاً باطل و اساساً صدور چنین براتی محل تردید است اما در جائیکه شرط عدم مسئولیت معلق بر قبول برات گیر باشد، چنین شرطی نه تنها با قواعد عمومی قراردادها و قانون مدنی مغایر نیست، بلکه براساس ماده (۷۳۰) قانون مدنی در عقد حواله، اساساً نیازی به چنین شرطی وجود ندارد (بیگی حبیب‌آبادی و یعقوبی مهراری، ۱۳۹۱: ۳۳-۳۲).

هر سند تجاری یک مدیون اصلی وجود دارد که در صورت پرداخت بدهی مسئولیت سایرین هم منتفی می‌شود و مسئولیت دیگران جنبه فرعی دارد و منوط به عدم انجام تعهد از سوی متعهد اصلی است. در بین اشخاصی که یک سند تجاری را امضا می‌کنند و دارای مسئولیت تضامنی هستند، برات کش و یا صادرکننده برات قبل از قبولی برات و قبول کننده برات یا برات گیر و صادر کننده سفته و چک در ردیف مسئولین اصلی سند تجاری قرار دارند که در صورت عمل به تعهد خود و پرداخت وجه سند، موضوع تعهد منتفی و مسئولیتی متوجه سایرین نخواهد بود. همچنین در بین اشخاصی که یک سند تجاری را امضا می‌کنند و دارای مسئولیت تضامنی هستند، برات کش و یا صادر کننده برات پس از قبولی برات و قبول کننده ثالث و ضامن یا ضامنین و ظهرنویس یا ظهرنویسان در ردیف مسئولین فرعی سند تجاری قرار دارند که مدیون اصلی و واقعی سند نبوده و در صورت عمل به تعهد خود و پرداخت وجه سند، موضوع تعهد منتفی نشده و حق مراجعه به مدیون اصلی برای آنها محفوظ می‌باشد (عرفانی، ۱۳۸۸: ۵۶).

#### ب) شرط عدم مسئولیت صادر کننده در سفته

قانون تجارت در این خصوص که آیا صادر کننده سفته می‌توان ضمن امضاء و صدور سند، مسئولیت خود را در پرداخت آن اسقاط کند؛ ساکت است و در این زمینه، نصی در مقررات حقوق تجارت ایران وجود ندارد. در میان کنوانسیون‌های بین‌المللی در خصوص اسناد تجاری، تنها در کنوانسیون ۱۹۸۸ آنستیرال درباره آن بحث شده و در بند دوم ماده (۳۹) آمده است: (متعهد نمی‌تواند مسئولیت خود را با قیدی در سفته اسقاط یا تحدید

کند. هرگونه شرطی بدین مضمون، کان‌لم‌یکن تلقی می‌شود). نویسندگان حقوق تجارت که در مقام پاسخ به این سوال برآمدند، با قاطعیت به آن پاسخ منفی داده‌اند، شاید به خاطر بدیهی بودن موضوع است که دیگران به آن اشاره نکرده‌اند و در قانون تجارت و کنوانسیون ۱۹۳۰ ژنو هم نصی در این زمینه وجود ندارد، زیرا این شرط برخلاف مقتضای ذات عقد است که هم طرف قرارداد متعهد شود و هم نشود. در لایحه‌ای که جهت اصلاح قانون تجارت چند سالی است که در کمیسیون‌های تخصصی مجلس شورای اسلامی تحت بررسی قرار دارد، در ماده (۲۵۱) آن، ضمن ارائه تعریف دقیقی از سفته، تلویحا به این سوال پاسخ منفی داده شده است: سفته سندی است که به موجب آن، شخص بدون قید و شرط تعهد می‌کند مبلغی را در موعد معین یا عندالمطالبه در وجه حامل، شخص معین و یا به حواله کرد او پرداخت کند. بنابراین، سفته‌ای که مشروط و مقید به شرط عدم مسئولیت در پرداخت شده است، نه تنها نمی‌توان بعنوان یک سند تجاری تلقی کرد بلکه اساسا نمی‌توان نام تعهد بر آن نهاد (بیگی حبیب‌آبادی و یعقوبی مهار، ۱۳۹۱: ۳۴-۳۳).

#### ج) شرط عدم مسئولیت صادر کننده در چک

در این خصوص نیز قانون تجارت ساکت است و نصی وجود ندارد و برای پاسخ به آن باید به قواعد عمومی قراردادهای و سایر منابع مراجعه کرد. کنوانسیون ۱۹۳۱ ژنو در خصوص چک، در ماده (۱۲)، صادر کننده را ضامن پرداخت آن دانسته است و هر شرطی را که به موجب آن، او بری الذمه شود، کان‌لم‌یکن تلقی کرده است. کاویانی در کتاب خود، در مقام پاسخ به این سوال، ضمن اینکه برای این شرط غرض عقلایی تصور کرده، با مقایسه آن با عقد حواله در قانون مدنی، بیان داشته است که در حواله نیز بدون نیاز به شرط بری الذمه می‌شود، و با این اوصاف، با استناد به کنوانسیون ۱۹۳۱ ژنو بعنوان منبع مناسب جایگزین این خلای قانونی، قائل به بطلان چنین شرطی شده است. همان انتقادی که به نویسنده در خصوص برات وارد شد، در خصوص چک هم وارد است. باتوجه به قانون فعلی تجارت و خلاء قانونی، با مراجعه به قواعد عمومی و قانون مدنی و مقایسه صدور چک با عقد حواله، در این خصوص هم باید به تفکیک قائل شد و در صورتی که شرط معلق به قبول یا تضمین بانک محال علیه باشد، و بانک پرداخت آن را تعهد کرده باشد، اعم از اینکه وجه چک در حساب صادر کننده در بانک موجود بوده و یا واریز نشده باشد، باتوجه به ماده (۷۳۰) قانون مدنی و نقل ذمه، این شرط مغایرتی با قواعد عمومی قراردادهای ندارد و صحیح است. اما در صورتی که شرط معلق به قبول یا تضمین بانک نبوده و پرداخت آن را بانک تضمین نکرده باشد، چنین شرطی برخلاف مقتضای ذات عقد است و باطل خواهد بود (بیگی حبیب‌آبادی و یعقوبی مهار، ۱۳۹۱: ۳۴).

#### د) شرط عدم مسئولیت ظهرنویس در اسناد تجاری

براساس ماده (۲۴۹) قانون تجارت، ظهرنویس مانند صادر کننده در مقابل دارنده سند تجاری مسئولیت تضامنی دارد و دارنده سند می‌تواند مطابق مقررات قانون مذکور در صورت عدم وصول به او مراجعه کند. در

اینجا هم این سوال مطرح است که آیا ظهنویس می‌تواند ضمن امضای سند تجاری جهت واگذاری آن به دیگری، مسئولیت خود را در مقابل منتقل‌الیه و ایادی بعدی در صورت عدم وصول سند اسقاط کند. در قانون تجارت، در این خصوص نص صریحی وجود ندارد و نویسندگان حقوق تجارت نیز در مورد صحت یا بطلان آن اختلاف نظر دارند (بیگی حبیب‌آبادی و یعقوبی مهاری، ۱۳۹۱: ۳۶). در این قسمت درباره این موضوع بحث می‌شود و طی آن با استفاده از نظریات استادان حقوق، مقررات بین‌المللی، کنوانسیون‌های ژنو و آنستیرال و مقایسه آنها با قانون برخی از کشورها، وضعیت و آثار این شرط ظهنویس در هریک از اسناد برات، سفته و چک به تفکیک بررسی می‌شود.

#### هـ) شرط عدم مسئولیت ظهنویس در برات

مسئولیت ظهنویس در برات در مقایسه با سایر اسناد تجاری مثل چک و سفته دو مورد است: یکی ضمانت قبولی برات توسط برات‌گیر و دیگری پرداخت برات. مورد اول از موضوع بحث مقاله خارج است، اما در اینباره که (آیا ظهنویس می‌تواند مسئولیت خود را در مقابل دارنده سند اسقاط کند؟) باید گفت این موضوع به لحاظ عدم وجود نص صریح قانونی، به بروز اختلاف بین نویسندگان حقوق تجارت منجر و در حقوق سایر کشورها نیز در این مورد رویه‌های مختلفی اتخاذ شده است. اسکینی با استناد به ماده (۲۴۹) قانون تجارت و اطلاق آن، با این استدلال که تنها موردی که قانونگذار مسئولیت ظهنویس را محدود کرده، در ماده (۲۷۶) در خصوص تقاضای تعیین مهلت برای قبولی است و اگر محدودیت مسئولیت ظهنویس در ضمانت و پرداخت ۱۶۵ هم مورد نظر قانونگذار بود مانند ماده (۲۷۶) پیش‌بینی می‌شد، سکوت قانونگذار در مقام بیان و اطلاق ماده (۲۴۹) را دلیل مخالفت قانونگذار با شرط عدم مسئولیت ظهنویس تلقی کرده است و اعتقاد دارد چنین شرطی را در برات باید نادیده گرفت، مثل اینکه شرط در برات قید نشده است. ایشان این راه‌حل را معقول و منطقی ندانسته و به دلیل عدم نص و اطلاق ماده (۲۴۹) قانون تجارت به آن متوسل شده است. ستوده تهرانی با بیان اینکه ظهنویسی مشروط یا جزئی در برات در عرف و عادت تجارت معمول نیست و قانون تجارت در این خصوص ساکت است، می‌نویسد: درج بعضی از عبارات مانند اینکه (در صورت عدم قبول یا پرداخت، به شخص ثالثی مراجعه شود) یا (برگشت برات بدوم خرج) یا (بدون اعتراض) با درج عبارات (بدون مسئولیت و ضمانت) یا (منع ظهنویسی مجدد) جایز است و این نوع عبارات حتی در کشورهایی که مقررات متحدالشکل ژنو را نپذیرفته‌اند، معتبر است، چراکه این تصریحات شرط تلقی نمی‌شود بلکه تحدید اختیارات و مزایای دارنده برات است. صفری نیز با بیان اینکه شرط عدم مسئولیت در پرداخت جهت ظهنویس در حقوق آن کشورها اجازه داده شده است، با استناد به ماده (۲۴۹) قانون تجارت، ظهنویس را در حقوق ایران مسئول پرداخت می‌داند و ماده (۲۷۶) را تنها موردی می‌داند که در قانون تجارت ایران جهت عدم مسئولیت در

پرداخت سند تجاری پیش‌بینی شده است. همین نویسنده در کتاب خود، ضمن عدول از نظر سابق خود، و با استناد به مواد (۲۷۶) و (۲۷۸) قانون تجارت و با این استدلال که ظهرنویس همچنان که می‌تواند برای اخذ قبولی مهلت بگیرد، می‌تواند تعهد به پرداخت را در سررسید به مبلغ معین محدود و یا کلاً اسقاط کند، مواد (۲۷۶) و (۲۷۸) قانون تجارت را مجوزی برای ظهرنویس، جهت درج شرط خلاف ماده (۲۴۹) قانون تجارت و تحدید و اسقاط مسئولیت او می‌داند.

کاپیانی با بیان اینکه کنوانسیون‌های آنستیرال ۱۹۸۸ و ژنو ۱۹۳۰ و ۱۹۳۱ (به ترتیب در مواد (۱۵) و (۱۸)) صحت چنین شرطی را نپذیرفته‌اند و قانون تجارت ایران هرچند که در ماده (۲۴۹) به مسئولیت ظهرنویسان تصریح دارد، در مورد جواز چنین شرطی ساکت است، عدم پذیرش امکان اسقاط مسئولیت ظهرنویس را غیرمنطقی عنوان کرده است. این نویسنده چنین استدلال کرده است که اطلاق ماده (۲۴۹) نمی‌تواند دلیل ممنوعیت شرط خلاف آن باشد و مسئولیت ظهرنویس را نباید مقتضای ذات عمل انتقال تلقی کرد، زیرا در این صورت نباید انتقال سند را بدون ظهرنویسی پذیرفت در صورتی که بسیاری از موارد انتقال سند، بدون ظهرنویسی هم انجام می‌شود.

حسینی در مقام تفسیر ماده (۲۷۸) قانون تجارت مبنی بر اینکه (مقررات فوق مانع نخواهد شد که بین دارنده برات و برات دهنده و ظهرنویس‌ها، قرارداد دیگری مقرر کرد)، در کتاب خود نوشته است: یعنی اینکه بیان قانون دایر به مکلف بودن دارنده برات به مطالعه قبولی یا پرداخت وجه برات، در ظرف یک سال از تاریخ برات، جنبه امری ندارد و دارنده برات و ظهرنویس‌ها و برات دهنده می‌توانند مثلاً توافق کنند که دارنده برات به رویت یا به وعده از رویت ظرف دو سال از تاریخ برات نسبت به مطالعه قبولی و پرداخت وجه برات اقدام کند یا قرار آنها بر این باشد که اگر دارنده برات ظرف شش ماه نسبت به مطالبه قبولی و پرداخت وجه برات از محال علیه اقدام نکند، حق رجوع به ظهرنویس‌ها و صادرکننده برات، که وجه برات را به محال علیه رسانیده است نداشته باشد و غیره (حسینی مقدم و محمدی، ۱۳۹۹: ۴۹۳). این نویسنده از طرفی اولاً در خصوص شرط عدم مسئولیت ظهرنویس صراحتاً اظهار نظر نکرده، ثانیاً محدوده توافق طرفین را صرفاً مطالبه وجه برات و پرداخت آن در مهلت قانونی عنوان کرده، و از طرف دیگر پس از ذکر دو مثال، با آوردن عبارت (و غیره)، توافق طرفیت را به این دو مقال منحصر نکرده است. براساس صدور ماده (۱۵) کنوانسیون ۱۹۳۰ ژنو، ظهرنویس در صورت عدم شرط خلاف، ضامن تحصیل قبولی و پرداخت سند است، که مفهوم مخالف آن این است که در صورت شرط مخالف آن، ضامن نخواهد بود. در کنوانسیون آنستیرال ۱۹۸۸ نیز به موجب بند دوم ماده (۴۴) صحت چنین شرطی صراحتاً پذیرفته شده است. در مقررات کشورهای انگلستان و ایالات متحده امریکا اجازه داده شده است که هریک از ظهرنویس و برات دهنده بتوانند با درج شرط عدم مسئولیت در اسناد، مسئولیت اخذ قبولی و نیز پرداخت سند در سررسید را از خود سلب کنند. اما در حقوق تجارت ایران

مورد جواز یا بطلان چنین شرطی نیز نص صریحی وجود ندارد، و چنان که پیش‌تر عنوان شد، در خصوص اینکه ماده (۲۴۹) قانون تجارت پیرامون مسئولیت تضامنی، از قوانین امری یا تکمیلی است و اینکه شرط خلاف آن شرط خلاف مقتضای ذات عمل حقوقی است یا خلاف اطلاق آن است، بین نویسندگان حقوق تجارت اختلاف نظر وجود دارد. قطع نظر از اینکه براساس کنوانسیون‌های بین‌المللی ژنو و آنسیترال مسئولیت تضامنی امضا کنندگان اسناد تجاری قاعده امری نیست و برخلاف آن می‌توان توافق کرد، در حقوق ایران نیز به دلایل زیر می‌توان به صحت شرط مذکور معتقد شد:

**اولاً؛** مسئولیت تضامنی در اسناد تجاری برخلاف قواعد عمومی مذکور در قانون مدنی و استثنا بر آن است و در صورت سکوت قانون تجارت در خصوص توافق خلاف آن، مراجعه به قانون مدنی و قواعد عمومی قراردادها بلاشکال است، البته به شرط اینکه برخلاف مقتضای ذات آن عمل حقوقی نباشد و سند تجاری بلامسئول و بی‌اعتبار نشود.

**ثانیاً؛** قانونگذار در ماده (۲۷۶) قانون تجارت، تلویحاً با تنفیذ ظهرنویس و دارنده سند تجاری در خصوص تعیین مهلت برای اخذ قبلی و در ماده (۲۷۸) صریحاً و علی‌الاطلاق ارائه و توافق طرفین را برخلاف مواد قبلی، از جمله ماده (۲۴۹)، مقدم داشته است.

**ثالثاً؛** در شرایطی که نقل و انتقال یک سند تجاری با قبض و اقباض و یا طرق دیگری غیر از ظهرنویسی ممکن است و ناقل مسئولیتی در قبال دارنده و ایادی مابعد آن ندارد و خدشه‌ای هم بر این انتقال وارد نیست، چه اشکالی دارد که این انتقال، بدون مسئولیت با قید در سند صورت گیرد، تا حداقل بتوانند در صورت اختلاف و طرح دعوی به آن استناد کنند؟ بنابراین ظهرنویس برات براساس مواد (۲۷۶) و (۲۷۸) قانون تجارت و در چارچوب قواعد عمومی قراردادها می‌تواند ضمن ظهرنویسی و انتقال سند تجاری، مسئولیت خود را در پرداخت آن سلب کند. شایان ذکر است که این موضوع در لایحه جدید تجارت پیش‌بینی شده است. براساس ماده (۷۳۰) این لایحه، برات دهنده، قبول کننده برات، ظهرنویسان و شخصی که پرداخت مبلغ برات را از طرف هر یک از اشخاص مذکور ضمانت می‌کند در مقابل دارنده برات مسئولیت دارند. دارنده برات در صورت عدم تادیه و عندالاقضاء پس از انجام وخواست می‌تواند برای وصول کل وجه سند به هر کدام از آنها برای وصول تمام یا بخشی از وجه سند رجوع کند. اقامه دعوی علیه برخی از مسئولان برات موجب اسقاط حق رجوع به سایر مسئولان نیست و اقامه کننده دعوی ملزم نیست ترتیب شهرنویسی را از حیث تاریخ رعایت کند و به موجب ماده (۷۳۶) این لایحه: هر کدام از ظهرنویسان می‌توانند با تصریح به عدم مسئولیت در متن سند، خود را از مسئولیت مقرر در ماده (۷۳۰) معاف کنند (بیگی حبیب‌آبادی و یعقوبی مهاری، ۱۳۹۱: ۳۶-۳۴).

## ۲-۳-۲- شروط تحدید مسئولیت در اسناد تجاری

شرط تحدید مسئولیت در اسناد تجاری، شرطی است که یکی از مسئولین سند، به هنگام صدور، قبول، ضمانت و یا ظهرنویسی و انتقال یکی از اسناد تجاری، ضمن امضای آن، در متن سند قید کرده و مسئولیت قانونی خود و یا امتیازات و اختیارات قانونی دارنده را کاهش می‌دهد. شرطی که ممکن است موجب تحدید مسئولیت در اسناد تجاری شود برخلاف شرط عدم مسئولیت متعدد و متنوع است. بعنوان مثال، ظهرنویس ضمن انتقال سند برات در متن سند قید می‌کند در صورت عدم وصول، فقط ضامن پرداخت ثلث مبلغ سند است. یا در سند برات قید می‌کند مسئولیتی در قبال اخذ قبولی ندارد و یا در صورت انتقال، مسئولیتی در قبال اشخاصی که بعداً سند به آنها منتقل می‌شود ندارد. لذا شمارش و دسته‌بندی همه آنها امری دشوار است. اما آنچه از این شروط، که بیشتر قابل تصور است و در مقررات داخلی و بین‌المللی به آن اشاره شده است و بوسیله استادان حقوق تجارت مورد بحث قرار گرفته است، در دو گروه قابل تقسیم است. گروه نخست امضا کننده سند را از برخی مسئولیت‌های قانونی مرتبط با سند تجاری معاف می‌کند که از آنها بعنوان شروط تحدید کننده مسئولیت‌های قانونی امضا کننده نام برده می‌شود. گروه دوم شرطی است که اختیارات و امتیازات قانونی دارنده را در سند تجاری محدود می‌کند که از آن به شروط تحدید کننده اختیارات و امتیازات قانونی دارنده یاد می‌شود. شایان ذکر است که رابطه منطقی این دو گروه رابطه عموم و خصوص من وجه است و شروطی وجود دارد که هم تحدید کننده مسئولیت‌های قانونی امضا کننده است و هم اختیارات و امتیازات قانونی دارنده را در سند تجاری محدود می‌کند. اگرچه براساس ماده (۲۴۹) قانون تجارت همه مسئولین سند تجاری در مقابل دارنده مسئولیت تضامنی دارند با این حال در هر سند تجاری یک مدیون اصلی وجود دارد که در صورت پرداخت بدهی مسئولیت سایرین هم منتفی می‌شود و مسئولیت دیگران جنبه فرعی دارد و مراجعه به آنها منوط به مراجعه به متعهد اصلی و عدم انجام تعهد از سوی وی است (ستوده تهرانی، ۱۳۸۹: ۳۶).

در اسناد تجاری در مورد تحدید مسئولیت باید بین ظهرنویس و صادر کننده تفاوت قائل شد. در مورد صادر کننده مثلاً اگر شرط کند که مسئولیت ناشی از نکول برات را بعهده ندارد، پذیرفته است ولی در مورد مسئولیت ناشی از عدم پرداخت مورد قبول نیست. مثلاً در جائیکه مسئولیت ناشی از عدم پرداخت پذیرفته شود، منجر به این می‌شود که دارنده این سند نتواند از حقوق خود استفاده کند و مبلغ را دریافت نماید. از طرفی برات دهنده مسئولیت ناشی از عدم تادیه را از خود سلب نموده و از طرف دیگر احتمال دارد که برات‌گیر برات را نکول کند و منجر به از دست رفتن حقوق وی می‌شود. در مورد سفته و چک نیز چنین شرطی موثر نیست، چون این اسناد بعنوان ابزار پرداخت است. اگر طرف نتواند وجوه مندرج در این اسناد را دریافت کند، هدف اسناد تجاری شکل نمی‌گیرد. ولی راجع به ظهرنویس، البته یک عده از حقوقدانان نیز راجع به شرط کاهش



مسئولیت در ارتباط با ظهرنویس اعتقاد دارند که شرط عدم تعهد به تادیه در حقوق ایران در خور پذیرش نیست. زیرا در ماده (۲۴۹) قانون تجارت شخص مزبور صراحتاً مسئول پرداخت قلمداد شده و ماده (۲۷۸) نیز بگونه‌ای نگارش نیافته که از آن به روشنی، امکان عدم قبول تعهد براتی به نفع ظهرنویس افاده گردد. معهدا ظهرنویس اجازه دارد مسئولیت خود را به استناد ماده (۲۷۶) قانون تجارت محدود نماید.

### نتیجه‌گیری

شروط محدود کننده و عدم مسئولیت دو گروه از شرایطی هستند که از مسئولیت قراردادی می‌کاهند. شرط تحدید مسئولیت شرطی است که منجر به کاهش مسئولیت متعهد می‌گردد و شرط عدم مسئولیت، شرطی است که به موجب آن مسئولیت ناشی از عدم اجرای قرارداد یا تاخیر آن پیش از اینکه تخلف از قرارداد رخ دهد و خسارت پیدا شود، اسقاط و سلب می‌گردد. قانون تجارت، در خصوص شروط اسقاط و یا تحدید مسئولیت در اسناد تجاری در بیشتر موارد سکوت اختیار کرده است و همانند قانون تجارت فرانسه در خصوص اسقاط یا شرط عدم مسئولیت متضامین اسناد تجاری مقررہ قطعی و خاص ندارد. برای پاسخ به این مسائل ناگزیر، باید به سایر منابع مراجعه کرد و جواب منطقی برای آن یافت. از آنجاکه غالباً صدور یا انتقال یک سند تجاری یک عمل حقوقی دوطرفه و به تعبیر برخی از حقوق‌دانان عقد است، باتوجه به سکوت قانون‌گذار، می‌توان به قواعد عمومی قراردادهای و قانون مدنی مراجعه کرد.

۱۶۹

همچنین باتوجه به آنچه در کنوانسیون‌های بین‌المللی آمده است و اصول حاکم بر قراردادهای و انواع شروط صحیح و باطل و مبطل در قانون مدنی بعنوان منبع مادر می‌توان شرط اسقاط مسئولیت یا تحدید مسئولیت امضا کنندگان اسناد تجاری را تا جائیکه برخلاف مقتضای ذات عمل نباشد صحیح دانست. در غیر اینصورت باید آن را باطل و مبطل شمرد، چون از یکطرف شخص تعهد پرداخت را می‌پذیرد و از طرف دیگر تعهد پرداخت را ساقط می‌نماید. بر این اساس شرط اسقاط مسئولیت پرداخت، توسط برات‌گیری که برات را قبول کرده و یا برات‌کشی که به جهت عدم قبول برات توسط برات‌گیر متعهد اصلی پرداخت وجه برات بوده و یا صادر کننده سفته، چک و نیز ضامن اسناد تجاری به دلیل مخالفت با مقتضای ذات عمل باطل و مبطل می‌باشد. اما شرط عدم مسئولیت ظهرنویس در پرداخت وجه سند و نیز شرط تحدید مسئولیت برات‌کش و ظهرنویس در صورت قبول برات توسط برات‌گیر صحیح خواهد بود. در راستای هماهنگی با مقررات بین‌المللی که پذیرش آنها هم به نظر می‌رسد از نظر اصول فقهی و قانونی فاقد اشکال باشد و لذا پیش‌بینی صریح تأثیر درج شروط اسقاط یا تحدید مسئولیت مسئولین اسناد تجاری در اصلاح قانون تجارت (به شرحی که در متن مقاله بیان شد) ضروری است. توجه به اینکه شروط اسقاط و یا تحدید مسئولیت در اسناد تجاری در واقع یک

شرط ضمن عقد است و در قواعد عمومی قراردادهای، شروط ضمن عقد در یک تقسیم‌بندی به شروط صحیح و شروط باطل و شروط مبطل تقسیم می‌شود و هریک اثر مخصوص به خود را در قرارداد دارد؛ همچنین اینکه شرط مذکور بوسیله صادر کننده یا ظهرنویس و در سند تجاری برات یا سفته یا چک باشد و در کدام دسته از شروط قرار داشته باشد، در سرنوشت صدور یک سند تجاری مؤثر است.

## فهرست منابع

- ۱- اخلاقی، بهروز (۱۳۵۸)، «مفهوم اسناد تجاری»، *مجله حقوقی دانشگاه تهران*، ش ۲۱.
- ۲- اعظمی زنگنه، عبدالمجید (بی‌تا)، *جزوه حقوق بازرگانی*، دانشکده حقوق تهران.
- ۳- اکبرزاده، رجب و ادهمی، سعیده (۱۴۰۰)، «قلمرو و آثار شرط عدم مسئولیت از منظر فقه امامیه»، *فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین*، دوره ۲، ش ۷.
- ۴- الفی، بهمن و دیگران (۱۴۰۱)، «تبیین تطبیقی ریشه‌یابی شروط محدود کننده و اسقاط مسئولیت در اسناد تجاری»، *فصلنامه مطالعه مدیریت راهبردی*، ش ۵۰.
- ۵- ایزانلو، محسن (۱۳۸۲)، *شروط محدود کننده و ساقط کننده مسئولیت در قراردادها*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ۶- ایزانلو، محسن و دیگران (۱۳۹۵)، «تحدید مسئولیت متصدی حمل و نقل دریایی در حقوق ایران و کنوانسیون‌های بین‌المللی»، *آموزه‌های حقوقی گواه*، ش ۲.
- ۷- بیگی حبیب‌آبادی، احمد و یعقوبی مهاری، داود (۱۳۹۱)، «شرط عدم مسئولیت در اسناد تجاری (برات، سفته، چک)»، *پژوهشنامه حقوق خصوصی*، س ۱، ش ۱.
- ۸- پاشا صالح، علی (۱۳۷۵)، *فرهنگ‌نامه صالح*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۹- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۱)، *تئوری موازنه*، تهران: انتشارات گنج دانش.
- ۱۰- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۵۷)، *دایرةالمعارف حقوق مدنی و تجارت*، تهران: انتشارات مشعل آزادی.
- ۱۱- حائری، مسعود (۱۳۷۷)، *اصل آزادی قراردادهای و تحلیلی از ماده ۱۰ قانون مدنی*، تهران: انتشارات کیهان.
- ۱۲- حسینی مقدم، سیدحسن و محمدی، سام (۱۳۹۹)، «اثر توافق خصوصی بر وظایف و تکالیف دارنده سند تجاری در حقوق ایران با مطالعه تطبیقی در کنوانسیون ژنو ۱۹۳۱ و ۱۹۳۰»، *پژوهشنامه حقوق تطبیقی*، دوره ۴، ش ۵.
- ۱۳- رحیمی، حبیب‌اله و علیزاده، سعیده (۱۳۹۶)، «ماهیت و مبنای تعدیل در حقوق ایران و فیدیک»، *فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی*، س ۶، ش ۲۱.
- ۱۴- ستوده تهرانی، حسن (۱۳۸۹)، *حقوق تجارت*، ج ۳، چ ۱۸، تهران: موسسه انتشارات دادگستر.
- ۱۵- طاهری، محمدعلی و دیگران (۱۳۸۴)، *دانشنامه حقوق خصوصی*، تهران: انتشارات محراب فکر.
- ۱۶- عرفانی، محمود (۱۳۸۸)، *حقوق تجارت تطبیقی*، ج ۶، چ ۱، تهران: انتشارات جنگل.

- ۱۷- عیسائی تفرشی، محمد و دیگران (۱۳۹۶)، «شروط استثناء در مسئولیت قراردادی (مطالعه تطبیقی در فقه امامیه، حقوق ایران و حقوق انگلیس)»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۲۱، ش ۴.
- ۱۸- کاتوزیان، ناصر (۱۳۶۸)، حقوق مدنی قواعد عمومی قراردادها، ج ۴، چ ۱، تهران: انتشارات بهنشر.
- ۱۹- کاتوزیان، ناصر (۱۳۶۴)، حقوق مدنی، عقود اذنی - وثیقه‌های دین، چ ۱، تهران: انتشارات بهنشر.
- ۲۰- گلپایگانی، محسن و موسوی، سیدمحمدرضا (۱۳۷۱)، کتاب القضاء، ج ۲، چ ۱، قم: ناشر دارالقرآن الکریم.
- ۲۱- محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۸۸)، نظریه عمومی شروط و التزامات در حقوق اسلامی، قم: انتشارات مرکز نشر علوم اسلامی.
- ۲۲- مرادپور سردهایی، اکبر (۱۳۹۸)، «بررسی شرط اسقاط یا تحدید مسئولیت در اسناد تجاری (برات، سفته، چک) در نظام حقوقی ایران»، دومین کنفرانس بین‌المللی مطالعات بین‌رشته‌ای در مدیریت و مهندسی.
- ۲۳- میرزای قمی (۱۳۷۱)، جامع الشتات، ج ۳، تهران: انتشارات کیهان.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی